

آب- باری بر دوش زنان- حقوق بشر و سود شرکت ها

هیچ چیز حتی امکانات حیاتی برای نجات نسل انسان و حفظ زندگی و اکوسیستم در عالم جهانی شده، از استثمار تجاری توسط سرمایه جهانی در امان نیست. آب آشامیدنی سالم تنها دو نیم درصد از کل آبهای زمین را دربر می گیرد. امروزه، منابع چنین آبی آن چنان مورد دَخل و تَصَرَف، انتقال و غارت قرار می گیرد که بخش عظیمی از مناطق جهان را با کمبود آب مواجه ساخته است. محیط زیست در چارچوب سیاستهای نولیبرالیستی توسط اقتصاد کلان کنترل و به انحصار کشیده می شود. صاحبان شرکتها در حالی که سودی هنگفت را نصیب خود می کنند، منابع حیاتی بشر را با مشکلات عدیده ای روبرو و مورد تجاوز قرار می دهند. حق برخورداری همگان از امکان طبیعی آب در چنین شرایطی همه معنای ذاتی و ویژه خود را از دست می دهد و به تجارت یک کالا، محصول و محموله تبدیل می گردد. بدین ترتیب، طبیعت نیز به یک پدیده مجزا، سرشار از مواد مصرفی و ابزاری برای تولید سود، تعریف می شود.

بی تردید میان کنترل محیط زیست و بروز بی عدالتی اجتماعی رابطه ای وجود دارد، به این معنا که چگونگی رابطه کالایی انسان با طبیعت و انسانها با یکدیگر به طور جدایی ناپذیری بر یکدیگر تاثیر گذارند. خصوصی سازی، پادزهری در دست جهانی سازی سرمایه است. خصوصی سازی هر چه بیشتر، کانون رویکرد سازمانهای بین المللی مانند بانک جهانی، اتحادیه اروپا و

صندوق بین الملل پول برای حل و فصل همه مشکلات دست به گریبان سرمایه است. بانک جهانی همه کشورها را بر اساس سیاست بازار آزاد به خصوصی سازی حقوق و امکان دسترسی آب به سود کمپانیهای جهانی ترغیب می کند. از یاد نبریم که ریشه مفهوم خصوصی سازی از کلمه لاتین "خصوصی" که به معنای محروم کردن و بی بهره کردن عموم است، گرفته شده است. بانک آلمانی "کامرس بانک" لقب "نفت قرن بیست و یکم" را به آب داده است. "کامرس بانک" عنوان می کند که نود درصد منابع آب سالم در دست بخش عمومی می باشد که مانع اصلی برای توسعه ساختارهای سرویس دهی آب محسوب می شود. این بانک، سیاست شهرها و روستاها مبنی بر خصوصی سازی هر چه بیشتر آب را ترغیب کرده و انتظار سود کلانی برابر با سیصد میلیارد دلار از این را دارد: "بازار آب پتانسیل بالایی برای توسعه دارد که قادر است، سود هنگفتی را نصیب شرکتهای بسیاری سازد".

"دویچه بانک" نیز همین سیاست حریصانه را دنبال می کند و به آب لقب "طلای آبی" می دهد که به طور فزاینده ای در حال کاهش است. این بانک اضافه می کند که حتی امروز نیز آب نسبت به رشد جمعیت، کالایی نادر است که با توجه به شرایط، حیاتی تر خواهد شد. در همین رابطه "دویچه بانک" توضیح می دهد که شرط لازم برای سودآور بودن یک کالا، نادر بودن آن است. ناگفته پیداست که ابراز شادمانی "دویچه بانک" پیرامون کمبود آب، با افزایش جمعیت چقدر خوفناک است. تمرکز جهانی پیرامون خصوصی کردن منابع آب جهت افزایش سرمایه، بسیار فشرده می باشد. کمپانی فرانسوی "سویزو ویلیا" ("ویوندی" سابق) تا چندی پیش دو سوم از سرویسهای

آب رسانی خصوصی در جهان را تحت کنترل خود داشت. درآمد کمپانی "سویز" به تنهایی بیش از ۲۳۰ میلیارد دلار است که بیشتر از تولید ناخالص ملی بسیاری از کشورهایی می باشد که این کمپانی در آنها فعالیت دارد.

پیامدهای خصوصی سازی آب

سازمانهای بین المللی، خصوصی سازی یا انحصاری کردن منابع آب را به عنوان نسخه ای برای حل همه مشکلات جانبی این ماده حیاتی مانند کمیابی، فضولات، مصرف بی رویه، آلودگی و تقویت شالوده سرویس دهی آب بهداشتی و سیستم فاضلاب و بازیافت امن و ایمن آب از آن، تجویز می کنند. اما در واقع مساله به گونه ی دیگریست. پیامد خصوصی سازی آب ویران کننده است. یک تحقیقات گسترده نشان داده است که خصوصی سازی آب نه تنها روند دسترسی به آب بهداشتی را برای همگان، به ویژه محرومان، افزایش نداده، بلکه به کاهش قیمت آب و کیفیت آن نیز یاری نرسانده است. بر اساس تحقیقات، تجاری کردن منابع و سرویسهای آبرسانی سبب تشدید همه مشکلات در رابطه با آب شده است. برای مثال، با گشایش یک شرکت آب بطری در اندونزی در سال ۲۰۰۲ در فاصله ی فقط بیست متر دورتر از منبع اصلی آب، کشاورزان منطقه با مشکلات روزافزون آبیاری زمینهای خود مواجه شدند. چشمه های منطقه برای همیشه خشک شد و بسیاری از کشاورزان با از دست دادن شغل، دچار مشکلات معیشتی شدند. یا در نمونه ای دیگر، شرکت "کوکاکولا" بعد از بهره برداری بی رویه از ذخیره آبهای زیرزمینی منطقه "کراالا" واقع در کشور هندوستان و تبدیل این منطقه به کویر، زمینها را قطعه قطعه کرده و دوباره به دولت هند فروخت.

نهادینه شدن سیاست انحصاری سازی آب در هر منطقه ای سبب شده که آب فقط به آنهایی که قادر به پرداخت هزینه گران آن هستند، عرضه شود و بیشتر برای فعالیتهای سودآور مورد استفاده قرار گیرد. به طوری که بیش از هفتاد درصد آب برای کشاورزی، بیست درصد برای فعالیتهای صنعتی و فقط ده درصد آن برای فعالیتهای خانگی استفاده می شود. در این میان صدای زنان که کمتر از مردان در نهادهای تصمیم گیری شرکت دارند، به گوش نمی رسد و میزان آسیب پذیری آنان به دلیل خصوصی سازی و کمبود آب، افزایش یافته است.

از آنجایی که منابع و سرویسهای آبرسانی بخش عمومی همچون بخش خصوصی در جستجوی سود یا حتی بازگشت کامل مخارج نیستند، بنابراین آب را به عنوان ماده ای حیاتی که می بایست در دسترس همگان قرار گیرد، در نظر می گیرند. این در حالیست که شرکتهای خصوصی خواستار بهره بیشتر و بازگشت همه مخارجی هستند که برای آبرسانی صرف کرده اند تا در شرایط رقابت بازار آزاد و مخصوصا شرایط بحران اقتصادی، ورشکست نشوند. آب برای مردم یک نیاز حیاتی می باشد که در دسترس بودن آن می بایست تضمین شود. اما برای شرکتهای خصوصی یک کالای تجاری به حساب می آید. سرویسهای عمومی آبرسانی معمولا با سوبسید و یا کاهش قیمت تلاش می کنند تا امکان برخورداری از آب را برای کسانی که قادر به پرداخت هزینه مشخص نیستند، میسر سازند. شرکتهای خصوصی برعکس، چنین تعهد و مسوولیتی در قبال محرومان به عهده نمی گیرند.

سرویسهای همگانی آبرسانی تلاش می کنند بهای آب را به طور سالیانه یا کاهش دهند و یا حداقل به صورت ثابت نگاه دارند، در حالی که شرکتهای

خصوصی به عنوان فروشندگان آب تلاش می کنند قیمت آب و سرویسهای آبرسانی را به طور مرتب افزایش دهند تا سود بیشتری را از آن خود گردانند. سرویسهای عمومی آبرسانی به حفاظت از منابع آب و کنترل بهره برداری و مصرف بیشتر از شرکتهای خصوصی توجه دارند، در حالی که شرکتهای تجاری از مصرف بی رویه آب توسط آنانی که قادر به پرداخت بهای آن هستند، جانبداری می کنند تا با یک تیر دو نشان بزنند. زیرا مصرف بالاتر به کمیاب شدن آب کمک کرده و قادر می شوند برای سرویس دهی قیمت بیشتری را تقاضا کنند.

مصرف بی رویه آب باعث کاهش آن و ناپایداری سلامت محیط زیست می شود. فروشندگان عمومی آب در حالی آب را به معرض فروش می گذارند که به کیفیت، حفاظت محیط زیست، منابع ذخیره ای و قابل اتکای آب، بهترین استانداردها و علایق عمومی اهمیت می دهند. برعکس، شرکتهای خصوصی بر اساس ماهیت و طبیعت خود به تنها چیزی که اهمیت می دهند، افزایش و انباشت سریع تر و افزون تر سرمایه است. بر اساس تحقیقات، مصرف کنندگان بعد از خصوصی سازی منابع و سرویسهای آبرسانی با افزایش قیمت بین ۱۵ تا ۵۰ درصد مواجه می شوند. آنها مجبور می شوند تا هر قیمتی که شرکتهای خصوصی تقاضا می کنند را بپردازند.

در این رابطه می توان به خصوص سازی آب توسط شرکت "ای ان بی دبیو" در شهر "اشتوتگارت" واقع در کشور آلمان اشاره کرد. شرکت مزبور در اولین سال در دست گرفتن سرویسهای آبرسانی، قیمت آب را ابتدا شش درصد و سپس به میزان هفت و نیم درصد افزایش داد. قیمت آب پیش از این و تا زمانی که توسط شرکتهای سرویسهای آبرسانی عمومی عرضه

می شد، طی سالهای متمادی تغییر نکرده بود. شرکت "ان بی دبلیو" در همین راستا رکورد بارآوری را شکست و میزان سود سالانه اش ۴۲ درصد افزایش یافت.

افزایش فروش آب در بطری، یکی از بازتولیدهای پر منفعت سیاست خصوصی سازی آب است. اگرچه تفاوت چندانی بین آب در بطری با آب شیر نیست، ولی بسیاری از خانواده ها برای حفظ سلامت خود و به ویژه فرزندان شان اقدام به خریدن آب بطری می کنند. شرکتها نیز با تبلیغ موفق شده اند تا روند گرایش به خرید آب در بطری را افزایش دهند و در این راستا سود بیشتری را نصیب خود گردانند. شک و تردیدها پیرامون این امر وجود دارد که شرکتها، آب لوله کشی را نیز غیرقابل مصرف می کنند تا مردم را مجبور به خریدن آب بطری کنند. آب در بطری در شکل و اندازه های مختلفی وجود دارد، اما همه بطریها، پلاستیکی هستند که در نتیجه خرید آن باعث انباشت بیشتر آشغال و زباله می شود که به نوبه خود، محیط زیست را به شدت آلوده می سازد. نقل و انتقال بطریهای آب و فاصله زیاد بین مکانهای تولید و مصرف نیز باعث فرسایش محیط زیست می شود. شرکتها خصوصی آب اشتیاق فراوانی به استفاده از آب بدون در نظر گرفتن سطح نوزایش منبع، رشد جمعیت و بیابانی شدن منطقه، تا قطره آخر دارند.

موضع سازمان ملل نسبت به آب

بحث پیرامون این موضوع که آیا آب ضرورتی برای ادامه زندگی و نجات انسان به عنوان یک حق انسانی و یک نیاز جهانشمول است و یا یک محموله اقتصادی می باشد، مدتهای طولانی است که در جریان است. برخی عدم

تصمیم‌گیری در رابطه با مطلب مذکور را اینگونه توجیه می‌کنند که آب هم مانند برق به طور بدیهی اساس زندگی انسان به حساب می‌آید. به همین دلیل، متحد کردن نمایندگان سازمان ملل در توجه به این مقوله بسیار مشکل بوده است. کنوانسیون لغو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، کنوانسیون حمایت از افراد ناتوان و کنوانسیون حقوق کودکان، همگی آب را جزو حقوق بشر به شمار می‌آورند. اما، بیانیه پیرامون آب و حفاظت از آن در ژانویه سال ۱۹۹۲ در کنفرانس جهانی آب و محیط‌زیست، آب را کالایی اقتصادی که ارزش اقتصادی فراوانی دارد، معرفی کرده است.

این بیانیه در راستای منافع شرکتهای خصوصی اعلام کرد که عدم شناخت ارزش اقتصادی آب در گذشته سبب استفاده بی‌رویه از منابع و زیانهای زیست محیطی بیشماری شده است. این بیانیه اضافه کرد که محسوب کردن آب به عنوان یک کالای اقتصادی، امر بسیار مهمی در راستای دستیابی به استفاده منصفانه، کارآمد و همچنین تشویق به حفاظت و حمایت از منابع آب در جهان محسوب می‌شود.

این در حالی است که "فوروم جهانی آب سازمان ملل" در سال ۲۰۰۰ روشن ساخت که آب یک نیاز اساسی می‌باشد. با وجود این تعریف، هنوز شرکتهای خصوصی قادر به کالایی کردن آب در جهان هستند، زیرا در سیستم سرمایه‌داری، "نیاز" به معنای "حق" نیست. ولی اگر آب به عنوان یک "حق" در نظر گرفته شود، دولتها موظفند که آن را در اختیار همگان قرار دهند.

در نوامبر سال ۲۰۰۲، کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل در یک نظر کلی تصدیق کرد که دسترسی به آب جزو حقوق پایه ای و

ضروری بشر جهت ادامه بقا و تکامل حیات انسانی می باشد. کمیته مزبور اضافه کرد که این مساله پیش شرط تحقق همه اشکال حقوق بشر است و بنابراین دولتها می بایست متعهد شوند که آب در دسترس همه اعضای جامعه قرار گیرد. این اقدام سازمان ملل بسیار با ارزش محسوب می شود، زیرا امکان دسترسی به آب یک حق بشری و نه یک کالای اقتصادی به حساب آمده است. افزون بر این، آب می بایست به طور سالم، به بهای قابل پرداخت، قابل دسترس و سالم و ایمن برای استفاده شخصی و خانگی به عنوان یک حق انسانی در اختیار همه افراد جوامع قرار گیرد. یکی از کارشناسان سازمان ملل مسئولیت دنبال کردن این نظریه را به عهده گرفت و اظهار داشت که مدیریت آب می بایست در اختیار بخش عمومی باشد. افزوده بر آن، دولتها متعهد گردیدند تا جهت دسترسی برابر همگان به آب و رعایت اصول بهداشتی اقدام ورزند.

"بنیاد پیشرفت زنان سازمان ملل" می گوید که اگرچه اظهار نظر فوق، دولتها را ملزم نمی کند که به طور مستقیم آب سالم و قابل دسترس را در اختیار همه افراد و خانواده ها قرار دهند، اما این بدان معناست که دولتها مسؤول نهایی دسترسی همه افراد به آب کافی که نیاز اساسی آنان است، هستند.

مهمترین گام در مسیر پذیرش حق جهانی آب توسط هیات قانونگذاری سازمان ملل در ۲۸ جولای ۲۰۱۰ با ۱۲۲ رای موافق، ۴۱ رای ممتنع و هیچ رای مخالف صورت پذیرفت و دسترسی به آب به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر به رسمیت شناخته شد. هیات قانونگذاری همچنین برای همه نمایندگان دولتها و سازمانهای بین المللی روشن کرد که می بایست با

سرمایه گذاری، تکنولوژی و امکانات دیگر، به کشورهای فقیر جهت بالا بردن درجه پاکی آب آشامیدنی، قابل دسترس و منطبق با بضاعت و بهسازی برای همگان یاری رسانند.

به رسمیت شناختن آب از سوی سازمان ملل به عنوان یکی از اصول پایه ای حقوق بشر، گامی مهم و ثمره تلاش افراد بیشماری بود که برای اجرایی شدن اهداف مترقی هزاره سازمان ملل تلاش کردند. یکی از اهدافی که در سپتامبر سال ۲۰۰۰، از سوی پنجاه و پنجمین مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید، کاهش شمار انسانهایی بود که تا سال ۲۰۱۵ قادر به فراهم کردن آب و یا دسترسی داشتن به آب آشامیدنی و امکانات اولیه بهداشتی نیستند. سازمان ملل در "نشست جهانی آب تازه" در سال ۲۰۰۳، اعلام کرد که برای اصلاح وضعیت آب آشامیدنی، امکانات آب رسانی و سیستم تخلیه فاضلاب، سالانه ۲۰ میلیارد دلار برآورد هزینه شده و بر اساس این تخمین، دستیابی به هدف هزاره سازمان ملل پیرامون آب، به ۱۸۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری نیاز دارد. از آنجا که میزان سرمایه گذاری موجود در حال حاضر فقط ۸۰ میلیارد دلار است، از شرکتهای خصوصی تجاری آب دعوت شد تا ۱۰۰ میلیارد کسری بودجه سرمایه گذاری را جبران کنند. بدین وسیله و با دعوت از شرکتهای خصوصی آب در کشورهای صنعتی پیشرفته تحت پوشش به ظاهر اهداف بشردوستانه یا کمک و حمایتهای ترقی خواهانه، موضوع اهداف مترقی سازمان ملل پیرامون آب -هر چقدر هم مناسب و مفید- بی معنی شد. زیرا، دعوت مزبور، شرکتهای خصوصی آب را به اصلی ترین نفع برندگان از پروژه اصلاح وضعیت دسترسی به آب و امکانات لازم تبدیل می کند. در حالی که امکانات مذکور قبلاً همگانی بوده ولی توسط همین

شرکتها به عنوان کالایی جهت سودآوری و انباشت سرمایه به بازار عرضه گردیده است.

اتحادیه اروپا نیز بعد از این حرکت بیشرمانه، در بازنگری خود پیرامون اهداف پیشنهادی سازمان ملل در رابطه با آب در سال ۲۰۱۰، تاکید کرد که جهت دستیابی به چنین اهدافی به شریکهای قوی و با نفوذ مانند سازمانهای جوامع مدنی و بخش خصوصی احتیاج است. اتحادیه اروپا با تاکید بر مشارکت قوی و پرثمر شرکتهای خصوصی در واقع راه را جهت دخالت شرکتهایی مانند "سویز"، "ویولیا" و "آب توماس" باز می کند و بار دیگر بر موضع خود مبنی بر اعمال سیاستهای نولیبرالیستی و خصوصی سازی هر چه بیشتر در رابطه با آب در جهان، صحه می گذارد. در حال حاضر، موضع اتحادیه اروپا موضع غالب می باشد که در مقایسه با قطعنامه سازمان ملل، لکه های ننگین و سیاه بیشتری در بر دارد. نقش محوری اصول "آب به عنوان یکی از اصول حقوق بشر" و "ضرورت برابری انسانها در دسترسی و دستیابی به این منبع طبیعی و امکانات وابسته به آن"، با پیشنهاد اتحادیه اروپا که در حقیقت به معنای تجدید حیات تلاش در جهت ابزاری کردن آب و تبدیل آن به کالایی جهت سودآوری و انباشت سرمایه در جهان می باشد، به طور کلی بی معنا و از محتوی تهی گردید. پیشنهاد اتحادیه اروپا به درستی نشاندهنده جهان نو- لیبرالی می باشد که بر پایه کمیابی و نابرابری مواد اولیه بنیان گذارده شده است. وجود نابرابری اقتصادی اجتماعی در همه مراحل زندگی انسان مساله ای است که موضع غالب (اتحادیه اروپا) در تحلیل نهایی نادیده می گیرد و در واقع حاضر به آشکارا گفتن و اقرار به آن نیست. تبعیض طبقاتی که نه تنها جهان را به دو طبقه متضاد پیرامون مساله آب (آنهايي که

به آب دسترسی دارند و آنها که ندارند) تقسیم کرده، بلکه این مساله بر اساس تفکیک جنسیتی نیز شکل گرفته است. شکاف طبقاتی با امر خصوصی سازی آب در جهان عمیق تر و بحرانی تر می شود که البته "تبعیض"، کانون اصلی نظام حاکم بر جهان، جهت دستیابی به سود بیشتر و انباشت سرمایه فزون تر است.

موضع غالب در رابطه با آب فاقد چه مساله ای است؟

وضعیت نامساعد آب رابطه ای تنگاتنگ با موضوعات بشمار اقتصاد سیاسی از جمله فقر، تقسیم ثروت، رفاه، پیشرفت و رشد دارد. شکاف طبقاتی با وجود گذشت نزدیک به شصت سال از پروسه اعمال سیاستهای حمایت کننده و سیاستهای ترقی خواهانه، با وجود پیشرفتهای گسترده در عرصه علم و تکنیک، در همه کشورهای جهان تعمیق یافته است. یک سوم انسانهای جهان در فقر مطلق به سر می برند و از دسترسی به آب آشامیدنی سالم و کافی که اساس و شالوده حیات و زندگیست، محرومند. هر نفر برای رفع حداقل نیازهای اولیه شامل آب آشامیدنی، سیستم تخلیه فاضلاب و دیگر امکانات بهداشتی به دستکم ۲۰ تا ۴۰ لیتر آب نیاز دارد. این میزان برای هر فرد ساکن کشور آلمان ۱۳۰ لیتر و برای ساکن آمریکا بیش از ۲۰۰ لیتر در روز می باشد.

بر اساس گزارش سازمان ملل، عدم دسترسی به آب سالم و دیگر امکانات بهداشتی پیرامون آن یکی از مهمترین دلایل تشدید بحران سلامتی انسانها در جهان به شمار می رود. ۸۸۴ میلیون نفر در جهان (یک نفر از هر هشت نفر) از عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم و بیش از ۲,۶ میلیارد نفر (چهل درصد از جمعیت جهان) از دسترسی نداشتن به امکانات بهداشتی در رابطه با آب،

رنج می برند. سالانه ۳,۵ میلیون نفر در جهان از بیماریهای وابسته به آب، جان خود را از دست می دهند. دومین و مهمترین عامل مرگ و میر میان کودکان زیر پنج سال، بیماری اسهال به دلیل عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم، فقر بهداشت و امکانات نامناسب سرویس دهی آب و شرایط نامساعد سلامتی و تغذیه ناکافی است. سالانه نزدیک به ۱,۵ میلیون کودک در جهان در اثر ابتلا به بیماری اسهال جان خود را از دست می دهند. هر بیست دقیقه، یک کودک در جهان به دلیل بیماریهای وابسته به آب ناسالم مانند اسهال، وبا، دیسانتري یا اسهال خونی، حصبه، کرم گینه و هپاتیت جان می سپارد. بیش از چهل درصد از جمعیت جهان در مناطقی زندگی می کند که دچار بحرانه‌های ملایم تا شدید آب است. بر اساس تحقیقات انجام شده، نزدیک به دوسوم از جمعیت جهان، یعنی بیش از ۵,۵ میلیارد نفر تا سال ۲۰۲۵ مجبور به زندگی در مناطقی خواهند شد که تحت تاثیر بحران آب قرار دارد. قرن گذشته استفاده از آب رشدی شش درصدی داشته است که این میزان دو برابر نرخ رشد جمعیت جهان است. آبهای زیرزمینی بسیار بیشتر از این که مجدداً ذخیره شوند، در بسیاری مناطق جهان مورد مصرف قرار می گیرند. بدین ترتیب، جهان با بحران پایین آمدن سطح آبهای زیر زمینی روبروست. تحقیقات پیرامون آب تخمین می زند که ۱۳۵ میلیون نفر در جهان تا سال ۲۰۲۰ به دلیل ابتلا به بیماریهای ناشی از آب آشامیدنی ناسالم، جان خود را از دست خواهند داد. این میزان بالاتر از نرخ مرگ و میر تخمین زده در صورت همه گیر شدن بیماری ایدز در جهان می باشد. البته، بخش وسیعی از میزان مرگ و میر بیماران مبتلا به ایدز که سیستم ایمنی بدنشان بسیار ضعیف

می باشند به دلیل ابتلا به بیماریهای عفونی می باشد که به استفاده از آب ناسالم، نسبت داده می شود.

زنان و آب

اگرچه عدم دسترسی به آب و امکانات و سرویسهای مربوط به آن، همه عرصه های زندگی زنان و مردان را تحت تاثیر قرار می دهد، اما وضعیت زنان بیشتر از مردان به دلیل کمبود آب، بیماریهای ناشی از آن و کمبود امکانات و سرویسهای آبرسانی بحرانی است. زیرا زنان در بسیاری از جوامع در سراسر جهان مسوول فعالیتهایی مانند آشپزی، شستشو، پاکیزه کردن خانه و رسیدگی به اعضای خانواده و مسایل بهداشتی آنان هستند. بدین وسیله، از زنان و دختران انتظار می رود که مسوولیت جمع آوری و انتقال آب برای مصرف خانگی را هم به عهده بگیرند. برای میلیونها زن در جهان، شرکتهای خصوصی آبرسانی مانند "ویلا" وجود ندارد که به آنها بگوید "بفرمایید این هم آب سالم، مطمئن و تازه!" برعکس، آنها می بایست زمان و انرژی زیادی را صرف جمع آوری آب کنند. این معضل، فرصت و شانس زنان در بهره بردن از تحصیلات، دستیابی به کار با دستمزد و یا داشتن فرصت کافی برای فعالیتهای دیگر و تفریح را به صورت قابل توجه ای کاهش می دهد. زنان و دختران مذکور روزانه مسافتهای طولانی ده تا پانزده کیلومتری را بیشتر اوقات با پای پیاده، چه هوا سرد باشد یا نه، باردار باشند یا نه، مسیر خطرناک باشد یا ایمن، طی می کنند. آنها در معرض آزار و اذیتهای فیزیکی-جنسی، ابتلا به بیماریهای گوناگون به دلیل درارتباط قرار گرفتن با آب ناسالم، حمله حیوانات وحشی و مشکلات فیزیکی به دلیل حمل سنگین آب قرار

می گیرند. آنها امیدوارند که آب سالم و امن پیدا کنند، در غیر اینصورت، خطر بیماری و مرگ، زندگی اعضای خانواده و کودکان آنان را تهدید خواهد کرد. به طور عمومی، زنان در جنوب آفریقا مسافتهای طولانی که شباهت به سفر به ماه دارد را راهپیمایی کرده و در بسیاری مواقع شانزده بار در روز فاصله خانه تا محل آب آشامیدنی را جهت فراهم کردن آب برای خانواده خود طی می کنند. زنان برای این فعالیتهای دستمزدی دریافت نمی کنند که سبب خسارت به درآمد ملی در ابعاد عظیمی می شود.

گزارش مصرف کنندگان آب سال ۲۰۰۴ از جمله تاکید می کند که: -زنان فقیر روستایی در کشورهای پیرامونی، هشت ساعت در روز جهت جمع آوری آب کار می کنند و در هر سفر بیش از ۲۰ کیلو آب را بر سر خود حمل و تحمل می کنند.

-از هر ده دختر، یک نفر در دوره تحصیل در آفریقا در دوران خونریزی ماهانه در دوران بلوغ به دلیل نبود آب سالم و خصوصی بودن امکانات آب، سر کلاس حاضر نمی شود و یا ترک تحصیل می کند.

-روزانه شش هزار دختر و پسر به علت بیماریهای وابسته به آب جان خود را از دست می دهند که زنان اصلی ترین عضو خانواده جهت رسیدگی به وضعیت کودکان و بزرگسالان بیمار هستند.

-یک زن در محله های فقیر کشور کنیا دست کم پنج برابر بیشتر از یک زن در آمریکا برای یک لیتر آب هزینه پرداخت می کند.

جلوگیری از مشارکت زنان در نهادهای تصمیم گیری به دلیل معضل تبعیض جنسیتی، وضعیت زنان را بیش از پیش بحرانی می کند. این در حالیکه زنان نسبت به مردان نسبت به نبود آب سالم، کافی و ایمن، آسیب پذیرترند.

بحران آب در زندگی زنان آنچنان نقش مهمی بازی می کند که به جرات می توان گفت که حقوق زنان در عرصه های مختلف تا زمانی که آب به عنوان یکی از اصول حقوق بشر به رسمیت شناخته نشود، با تهدید روبروست.

برآمد

اگرچه وضعیت آب در جهان در شرایط کنونی بسیار بحرانی و ناگوار است، اما همه چیز از دست نرفته است. مردم در برخی مواقع علیه خصوصی سازی آب و منافع شرکت های جهانی به مبارزه بر می خیزند و خصوصی سازی آب در برخی کشورها مانند هلند، نروژ و اروگوئه ممنوع گشته است. امکانات آبرسانی در برخی کشورها از جمله بولیوی که به جنگهایش موسوم به "جنگ آب" معروف است، از انحصار شرکت های خصوصی بیرون آمده و به بخش همگانی برگردانده شده است. اما اینها با توجه به رشد و پیشروی بی پایان به سوی سیاست های خصوصی سازی فقط استثنا محسوب می شود.

تبعیض طبقاتی و تبعیض جنسیتی تا هنگامی که سیاست های نولیبرالیستی ادامه داشته باشد، تا هنگامی که امکانات آبرسانی که پیش تر به بخش عمومی تعلق داشت به انحصار شرکت های بزرگ خصوصی سپرده شود، پایان نخواهد گرفت. مردم ساکن کشورهای فقیر و پیرامونی در زندگی مملو از رنج کمبود آب و امکانات آبرسانی و مرگ و میر به دلیل ابتلا به بیماری های مربوط به آب آلوده نگاه داشته می شوند. زنان و دختران مجبور به راهپیمایی های طولانی مدت برای دستیابی به آب و حمل سطل های سنگین آب در زمان برگشت به محل سکونت خود می شوند. هراس از آلوده بودن آب همواره بر زندگی

این زنان و دختران مستولی است. این در حالیست که مردم به مصرف بی رویه آب و خریداری بطریهای آب آشامیدنی و آلوده کردن محیط زیست با میزان بسیاری بالایی از پلاستیک مبادرت می ورزند. دهه ها پیش کسی باور نمی کرد که انسان روزی مجبور به خریداری آب شود. معلوم نیست شرکتهای بزرگ چه فرصتها و امکانات همگانی و طبیعی دیگری را می خواهند به انحصار خود در آورند و برای به دست آوردن سود بیشتر، دوباره به ما بفروشند؛ به یقین مهار و دست یازیدن به اکسیژنی که تنفس می کنیم، دور از ذهن نیست!

چنین دنیایی بی شک مکان فلاکت و محنت مطلق انسان خواهد بود. در چنین جهانی وظیفه انسان برای ادامه حیات، عمومی کردن آب و در اختیار قرار دادن و تقسیم برابر و کافی آب سالم و تازه برای همه افراد جامعه و زمین است. این مهم، بدون آگاه شدن انسانها و آمادگی یافتن جهت رد کردن انگاره های بازار جهانی سازی سرمایه و مبارزه با آن ممکن نخواهد بود. آب مقدس است، یک حق عمومی ست و بنابراین نمی بایست خصوصی گردد.

زحل ایشیلیورت گوندوز
(Zuhal Yeşilyurt Gündüz)

برگردان: آناهیتا اردوان

منبع: مانتهی رویو

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>
ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com
مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری